

پرسش ۶۷۱: آیا نظریه‌ی تکامل داروین، صحیح است؟

السؤال / ۶۷۱: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته مولاي وقائم آل محمد...

مولای من و قائم آل محمد! سلام‌علیکم و رحمة الله و برکاته...

ورد سؤال من الاخوة المتحدثين بالإنجليزية وقد ترجمت سؤالهم في المشاركة، اللهم سلم وبارك على محمد وآل محمد الأئمة المهديين، السلام عليك يا مولاي وإمامي أحمد الحسن، أسأل الله أن يكون في عونك وينصرك.

پرسشی از برادران انگلیسی‌زبان آمده و پرسش ایشان در قسمت نظرخواهی ترجمه شده است. خداوندا! بر محمد و خاندان ایشان -امامان و مهدیین- درود بفرست و برکت ارزانی دارد. مولا و امام من، احمدالحسن! از خداوند می‌خواهم در یاری و نصرت شما باشم.

هل تصح نظرية التطور لتشارلز داروین؟ هي مربة جداً؛ لأن لديهم الكثير من الأدلة ابتداءً من علم الوراثة صعوداً إلى الأدلة الأثرية مثل الأحافير لكائنات أحادية الخلية.. أرجو منك يا مولاي أن تحل هذا الإرباك، والسلام عليك ورحمة الله وبركاته.

المرسل: محمد اختر - كندا

آیا نظریه‌ی تکامل چارلز داروین صحیح است؟ این نظریه‌ای به‌غایت گیج‌کننده است؛ چراکه آن‌ها بسیاری از دلایل ابتدایی از علم وراثت تا دلایل مبتنی بر آثار باستان‌شناسی مانند کاوش‌های مربوط به موجودات زنده‌ی تک‌سلولی و... را در اختیاردارند. مولای من! امیدوارم شما این آشفتگی و حیرانی را حل نمایید. والسلام‌علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: محمد اختر - کانادا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين
وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و
سلم تسليماً.

**أسأل الله إن يوفقكم ويسدد خطاكم، مسألة التطور عموماً لا يمكن أن
ينكرها الآن إلا شخص جاهل بما تعنيه، فإذا كان لدينا تمايز وانتقاء
ووراثة فحتماً يكون هناك تطور**

از خداوند می خواهم شمارا توفیق عطا فرماید و گام هایتان را استوار بدارد. به طور کلی
امروزه مسئله ی تکامل را هیچ کس نمی تواند منکر شود مگر کسی که به معنای آن
آگاهی ندارد. اگر تمايز، انتخاب و وراثت وجود داشته باشد حتماً تکامل وجود خواهد
داشت.

**هذه مسألة تكاد تكون بديهية وتكاد لا تحتاج حتى إلى الأحفوريات
والتشريح المقارن لإثباتها، والتمايز الجيني بين أفراد النوع الواحد كان
ولا يزال موجوداً، والطبيعة المحيطة بالأفراد والتي تناسب بعض أفراد
النوع - الذين يحملون الجينات المفضلة - أكثر من غيرهم موجودة غالباً،
والوراثة حتماً موجودة طالما هناك توالد، وإذا وجدت هذه الثلاثة - التي
لم تخل منها الأرض يوماً منذ بدأت الحياة - يكون هناك تطور**

این مسئله ای تقریباً بديهی است و اثباتش حتی به کاوش های باستان شناسی و علم
کالبدشناسی تطبیقی نیاز ندارد. تمايز ژنتیکی بين افراد يك گونه همواره بوده و هست و
همچنين طبیعتی که افراد را در برگرفته که اغلب متناسب با برخی افراد گونه - کسانی

که ژن‌های برتر را با خوددارند- نسبت به دیگران هست، وجود دارد. وراثت نیز تا زمانی که تولد وجود دارد، موجود است و تا زمانی که این سه ویژگی یافت می‌شوند ویژگی‌هایی که زمین از زمانی شکل‌گیری حیات هرگز از آن‌ها خالی نبوده است- تکامل نیز وجود خواهد داشت.

**وما يفعله بعض رجال الدين إذا لم يكن عن جهل بمعنى التطور
وتفاصيله فهو مجرد عناد لأنهم يظنون أنّ التطور يتعارض مع النص
الديني، والحقيقة إنهم لا يعرفون حتى معنى النشوء والارتقاء ومع هذا
تجدهم يردون بشكل خاطئ أو يكذبون بكل وقاحة**

آنچه از برخی مردان دینی سر می‌زند اگر از روی جهل نسبت به معنی تکامل و تفصیلش نباشد صرفاً از سر عناد و لجاجت خواهد بود؛ چراکه آن‌ها چنین می‌پندارند که تکامل با متون دینی در تعارض است. حقیقت این است که آن‌ها حتی معنای پیدایش و ارتقا را هم نمی‌دانند و با این حال می‌بینید که آن‌ها با گستاخی تمام به صورتی اشتباه پاسخ می‌گویند و انکار و تکذیب می‌کنند.

**فمثلاً يعتقد بعضهم أن التطور يعني الارتقاء من نوع إلى نوع في
حين لا يقول علماء الأحياء الحاليون - ولا حتى دارون - إنّ التطور
يحصل من نوع إلى نوع آخر مختلف تماماً مباشرة**

به‌عنوان مثال برخی از آن‌ها معتقدند که تکامل به معنی ارتقا و جهش از یک نوع به‌نوعی دیگر هست درحالی‌که دانشمندان زیست‌شناس کنونی و حتی داروین، نمی‌گویند که تکامل از یک نوع به نوع دیگر که کاملاً متفاوت هست، حاصل می‌شود!

فلا يوجد أحد يقول إنّ السمك تطور إلى حيوان برمائي مباشرة بل حتى على مستوى الأسماك التي تسير على الطين بواسطة زعانفها لا يوجد أحد يقول إنّ السمكة مباشرة انتقلت من سمكة مائية إلى سمكة برمائية (mudskipper)، وبعضهم يشكل على التطور بأنّ العادات لا تنتقل وهو لا يعرف أوليات التطور وأن التمايز المقصود هو تمايز جيني وليس تمايز عادات أو سلوك

كسى را نمى يابيد كه بگويد ماهى به طور مستقيم به حيوان دوزيست تكامل يافته؛ حتى در مورد ماهى هاى كه با استفاده از باله هايشان روى گل ها راه مى روند كسى نمى گويد ماهى به طور مستقيم از ماهى آب زيست به ماهى دوزيست (گل خورک = mudskipper) منتقل شده است. برخى بر تكامل اشكال مى گيرند كه عاداتها و سنتها منتقل نمى شوند؛ درحالى كه اينان حتى الفباى تكامل را هم درك نمى كنند و اينكه تمايز موردنظر، تمايز ژنتيكي است و تمايز مربوط به عاداتها، سنتها و رفتارها نمى باشد!

فالسير على قدمين الذي يميز البشر مثلاً لم يحصل نتيجة عادة - فالعادة لوحدها لا قيمة لها - لأنها لا تورث بل ما يحصل هو عملية انتقاء طبيعي للأفراد الحاملين للجينات المفضلة.

به عنوان مثال حرکت بر روی دو پا که وجه تمايز بشر هست بر اثر عادت به دست نيامده است - عادت به تنهائى ارزشى ندارد - چرا که به ارث برده نمى شود؛ بلکه آنچه حاصل شده، صورت پذيرفتن انتخاب طبيعى براى افرادى که ژن هاى برتر را دارند، هست.

عموماً إنكار التطور أصبح اليوم كمسألة إنكار دوران الأرض سابقاً. والأدلة العقلية التي أوردها القرآن لا تتعارض مع نظرية التطور، فدلِيل

إِنَّ الْعَدَمَ غَيْرُ مُنْتَجٍ (أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ) [الطور: 35] لا يتعارض مع نظرية التطور ولا يتصور تعارضه معها إلا جاهل

به طور کلی امروزه، انکار تکامل همانند انکار چرخیدن زمین در گذشته هست و دلایل عقلی که قرآن پیش می‌کشد با نظریه‌ی تکامل تعارض ندارد. دلیل «عدم نامولد است» (آیا از هیچ چیز پدید آمده‌اند یا خود خالق خویش اند؟) [الطور: 35] با نظریه‌ی تکامل در تعارض نمی‌باشد و چنین تصویری وجود ندارد مگر در مخیله‌ی جاهلان!

نعم يمكن أن يتوهم تعارضه مع نظرية الانفجار العظيم على اعتبار أنها ونظرية الكم ونظرية أم يمكن أن تفسر ظهور الكون من العدم، وهذه عموماً نظرية كونية أوسع من حدود هذه الأرض.

آری، ممکن است این توهم که با نظریه‌ی انفجار بزرگ در تعارض هست شکل گیرد؛ از این جهت که این نظریه (انفجار بزرگ)، نظریه‌ی مکانیک کوانتوم و نظریه‌ی ام (M-Theory) می‌توانند پیدایش هستی از هیچ را تفسیر کنند؛ و به طور کلی این نظریه‌ای کیهانی و فراتر از حدود این زمین هست.

والدليل الآخر هو أن صفة الأثر دالة على صفة المؤثر (ومنه دليل التقنين ودليل النظم ودليل الهدف ودليل الحكمة...)، وهذا الدليل ربما يحصل وهم أنه يتعارض مع نظرية التطور ولكنه في الحقيقة أيضاً غير متعارض معها؛ لأن وجود قانون الجينات يكفي لإثباته، وهذا يعني إننا نحتاج فقط إثبات أن الخريطة الجينية مقننة وهذا أمر ثابت.

دلیل دیگر، «صفت اثر دلالتی است بر صفت مؤثر» هست (از آن جمله دلیل قانون مندی، دلیل نظم، دلیل هدف‌دار بودن و دلیل حکمت و... هست) و چه بسا این دلیل چنین پنداری را به ذهن متبادر سازد که با نظریه‌ی تکامل در تضاد هست، ولی در واقع تعارضی با آن ندارد؛ چراکه وجود داشتن قانون ژن‌ها برای اثبات آن کفایت

می‌کند و این یعنی اینکه نیاز داریم ثابت کنیم نقشه‌ی ژنتیکی قانون‌مند است و این مسئله‌ای است که ثابت است.

**أما النص الديني القرآني والروائي فهو لا يتعارض مع التطور بل
يؤيده بوضوح وهذه أمثلة من النصوص:**

اما متن دینی و روایی نیز با تکامل در تعارض و تضاد نیست و حتی به‌روشنی تأییدکننده‌اش نیز هست. مثال‌هایی از برخی متون دینی:

**قوله تعالى: (وَقَدْ خَلَقْنَا أَطْوَاراً * أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ
سَمَاوَاتٍ طِبَاقاً * وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُوراً وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجاً * وَاللَّهُ
أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتاً) [توح: 14-17].**

خداوند متعال می‌فرماید: (و شما را در حالت‌های مختلف بیافرید * آیا نمی‌بینید چگونه خدا هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید؟ * و ماه را روشنی آن‌ها، و خورشید را چراغشان گردانید؟ * و خدا شما را چون نباتی از زمین برویانید). [توح: 14-17]

**وظاهر النص واضح (وَقَدْ خَلَقْنَا أَطْوَاراً)، ومثل لهذه الأطوار
السموات السبع، والسموات السبع متدرجة في التطور والتعقيد، ثم بين
الأمر بوضوح أكثر (وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتاً) ومعنى هذا إنكم نتاج
بذرة بذرها الله في الأرض (وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ) أو لنسميها خريطة الله الجينية
التي بذرت في الأرض وكان الهدف الوصول - أخيراً- إلى جسم مؤهل
لاستقبال النفس الإنسانية التي خلقت من الطين المرفوع إلى السماء
الأولى ونفخ الروح فيه.**

ظاهر متن واضح است: (و شما را در مراحل و حالت‌هایی بیافرید) و مثال این حالت‌ها و مراحل، آسمان‌های هفت‌گانه هست و آسمان‌های هفت‌گانه از نظر تکامل و

پیچیدگی درجه‌بندی و رتبه‌بندی شده می‌باشند. سپس موضوع را با وضوح بیشتری بیان می‌کند (و خدا شمارا چون گیاهی از زمین برویاند) و معنی آن چنین است که شما محصول بذری هستید که خداوند در زمین کاشته است (وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ) (و خدا شما برویاند) یا به عبارت دیگر می‌توانیم آن را نقشه‌ی ژنتیکی خداوند نام نهیم که در زمین کاشته شد و درنهایت، هدف، رسیدن به جسمی بود که برای پذیرا شدن نفس انسانی که از گل مرفوع در آسمان اول و نفخه‌ی روح در آن آفریده شد، آماده گردد.

و عن محمد بن علي الباقر صلوات الله عليه: (لقد خلق الله عز وجل في الأرض منذ خلقها سبعة عالمين ليس هم من ولد آدم، خلقهم من أديم الأرض فأسكنهم فيها واحداً بعد واحد مع عالمه، ثم خلق الله عز وجل أبا هذا البشر وخلق ذريته منه) [80].

از امام محمد بن علی باقر (ع) روایت شده است که فرمود: (خداوند عزوجل از آنگاه که زمین را آفریده، هفت عالمیان خلق کرده است که از فرزندان آدم نیستند، آنان را از خاک روی زمین آفرید و آنها را یکی پس از دیگری با عالمی که داشتند در زمین جای داد، سپس خداوند عزوجل آدم پدر بشر را آفرید و فرزندان او را از او خلق کرد).

([81])

عموماً وفقك الله إن شاء الله سأكتب كتاباً جواباً على سؤالك هذا وأبين فيه نظرية النشوء ونظرية الارتقاء ونظرية الانفجار العظيم وما هو صحيح منها وما هو غير صحيح وأبين فيه وهم الإلحاد وآيات التوحيد من نفس هذه النظريات التي أفترض بعض من يجهلون الحقيقة أنها تعارض الدين ووجود إله وإن شاء الله ينشر قريباً وأرجو أن لا تنساني من دعائك.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

خداوند توفیقت دهد! به‌طورکلی، ان‌شاء‌الله کتابی در پاسخ به این پرسش شما خواهیم نگاشت و در آن نظریه‌ی پیدایش، ارتقا و انفجار بزرگ را بیان خواهیم کرد و مواردی که در این خصوص صحیح و آنچه از آن‌ها صحیح نمی‌باشد را نیز بیان خواهیم کرد؛ و همچنین توهم بی‌خدایی و نشانه‌های توحید را از همین نظریاتی که برخی جاهلان و افراد نادان به حقیقت فکر می‌کنند در تعارض با دین و وجود خداوندگار هست، بیان خواهیم نمود. [82] ان‌شاء‌الله به‌زودی منتشر خواهد شد و امیدوارم مرا در دعایتان فراموش نکنید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

احمدالحسن - جمادی الثانی 1433 هـ



[80] - الخصال - للصدوق: ص 359.

[81] - خصال - صدوق: ص ۳۵۹.

[82] - کتاب «وهم الالحاد» با نام ترجمه‌شده‌ی «توهم بی‌خدایی» هم‌اکنون به نگارش درآمده، منتشر و ترجمه‌شده است (مترجم).